

توسعه و آموزش

تحلیل جایگاه آموزش در مدیریت و توسعه مدیریت انسانی
دکتر نادر هوشمندیار





سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه: هوشمندیار، نادر، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: توسعه و آموزش: تحلیلی بر اهمیت جایگاه آموزش در مدیریت و توسعه نیروی انسانی / نادر هوشمندیار.

مشخصات نشر: تهران: نشر شور آفرین، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص؛ ۱۴ × ۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۵۵-۷۵-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: تحلیلی بر اهمیت جایگاه آموزش در مدیریت و توسعه نیروی انسانی

موضوع: نیروی انسانی — مدیریت

موضوع: کارکنان — مدیریت

موضوع: رفتار سازمانی

رده بندی کنگره: HF۵۵۴۹/۵/ن۹

رده بندی دیویی: ۶۵۸/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۲۸۲۶۶





توسعه و آموزش

تحلیلی بر اهمیت جایگاه آموزش در مدیریت توسعه نیرو انسانی
دکتر نادر هوشمندیار

طراح جلد: محسن توحیدیان

صفحه آرا: نشر شور آفرین

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴ قیمت ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۷۵-۶۹۵۵-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به پیچ شمیران، کوی نوبخت، شماره ۲، طبقه ۲

تلفن: ۸۸۱۴۷۰۱۴ همراه: ۰۹۱۲۵۵۷۹۱۴۵

shourafarin@gmail.com



«...کسی که تلاش می‌کند انسان دیگری را در حیطه مطلق خود قرار دهد، خود را در وضعیت جنگ با او قرار داده است. چنین عملی نشان‌دهنده آن است که انگار قصد جان او را کرده است. از این [مثال] چنین نتیجه گرفته می‌شود: کسی که بدون توافق من، مرا در حیطه قدرت خود در آورد، هر جور که بخواهد از من بهره‌کشی می‌کند و هر زمان که هوس کند مرا تباه می‌کند، زیرا کسی خواهان آن نیست که مرا در حیطه قدرت مطلق خود در آورد مگر این که بخواهد آزادی مرا، بدون رضایت من، از من بگیرد و مرا برده خود کند... کسی که در وضعیت طبیعی قصد گرفتن آزادی را دارد، باید متعلق به همه کسانی است که در آن وضعیت به سر می‌برند... باید یقین داشته باشیم که او قصد گرفتن همه چیزهای دیگر را ندارد چرا که آزادی بنیان همه چیزهای دیگر است.»

جان لاک فیلسوف انگلیسی (۱۷۰۴-۱۶۳۳)

فهرست

۹.....	به جای مقدمه
۱۵.....	آموزش اولیه و ثانویه در راستای توسعه نیرو انسانی
۶۷.....	بازگشت بر آموزش در کشورهای در حال توسعه
۸۳.....	مزایای خارجی آموزش و تاثیر آن بر اقتصاد
۱۱۳.....	آموزش، مشارکت مدنی و توسعه انسانی
۱۳۵.....	عملکردهای تولیدی آموزش:
۱۴۱.....	توسعه از دیدگاه اندیشمندان ایرانی

به جای مقدمه

روشنی دربارۀ نقش اقتصاد در آموزش و پرورش و توسعه مدیریت نیروی انسانی صحبت می‌کنیم باید به این مسئله توجه داشته باشیم که بارزترین هدف در سطح ملی، افزایش توانایی افراد در آماده‌سازی و فراهم کردن بستر لازم برای رشد و شکوفایی استعدادهای مردمی است که همانا در به وجود آوردن نقش «معموری «نیروی انسانی»، بنیانی به نام «سرمایه اجتماعی» محسوب می‌شود. در سطوح گوناگون زندگی انسان امروزی، مسبب ارتقای دانش و پیشرفت هستند. در واقع نیروی انسانی با پشتوانه توسعه، مسایل کلان اجتماعی، شخصیت و اخلاق فردی، تاریخ، فرهنگ و اقتصاد را به هم پیوند می‌دهد. از منظر دیگر، محیط و شرایط اجتماعی به کنش‌های انسان شکل می‌دهد و مسیر و سوی آن‌ها را تغییر و آن‌ها را مقید به محدودیت‌های برخاسته از شرایط اجتماعی می‌کند. روشن است که هنجارهایی مانند اعتماد بین اشخاص و شبکه‌ها و سازمان اجتماعی نه فقط بر کارکرد جامعه بلکه بر کارکرد رشد و توسعه اقتصادی و به تبع آن توسعه آموزش و کارآمد کردن نیروی انسانی نیز تاثیر می‌گذارند.

توسعه و به مفهوم دقیق‌تر، توسعه جدید که سعی دارد دنیای امروز را بر حسب مقتضیات روزگارش بشناسد، ارتقا دهد و شکوفا کند،

چارچوب فکر بنده و محور اصلی نگارش این کتاب است. بر این باورم که مولفه‌هایی نظیر تعقل، شخصیت‌سازی‌های اجتماعی برای انسان، اخلاق‌مداری، احترام به قانون، ایجاد انگیزه برای بسط و گسترش رفتارهای انسانی، شاخص‌هایی هستند که نمی‌توان به‌آرامی از کنار آن عبور کرد یا به عبارتی، نمی‌شود توسعه دغدغه ذهن و اندیشه افراد باشد. آن وقت به چنین مولفه‌هایی آن‌طور که شایسته است توجه شایسته نکنند. شاید بهتر باشد بگویم که مرادم از توسعه اتفاقی است که سهم انسان، آزادی و صلح در آن از جایگاه رفیعی برخوردار است. در چنین فرایندی اگر هر چنان در حک تغییر و تحول قرار گیرد ارزشمند است و می‌توان گفت بر مبنای توسعه محوری قرار دارد.

«مباحث اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح شد. با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی او همواره در حال بهبود است. بعد انقلاب فرهنگی - اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان کشورهای غربی آغاز شد. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن‌های نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی غرب همراه شد ژاپن بود. بعد رنسانس که انقلابی کرد، در اروپا رخ داد، پتانسیل‌های فراوان این ملل، شکوفای و متجلی شد اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند رو به رشدی را تجربه نکردند. بعضاً سیری نزولی طی کردند. البته بعضاً حرکتهای مقطعی و موردی در این کشورها صورت گرفت، اما از آن‌جا که با کلیت جامعه و فرهنگ عمومی تناسب کافی نداشت و مورد حمایت واقع نشد و به سرعت مضمحل شد.

فشار صنعتی شدن و رشد فناوری در این کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف

بین دو قطب پیشرفته و عقب‌مانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه‌یافته) و کشورهای عقب‌مانده (یا توسعه‌نیافته).^۱

با خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظم عمومی در جهان این شکاف به‌خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سوال اساسی مواجه کرد که «چرا بعضی مردم جهان در فقر و گرسنگی مطلق، سرمی‌برند و بعضی در رفاه کامل؟». از همین دوران اندیشه‌ها و نظریه‌های توسعه در جهان شکل گرفت. پس در واقع نظریات «توسعه» بعدِ نظریات «توسعه اقتصادی» متولد شد. در این دوران، بسیاری از مردم و اندیشمندان، چرا که در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای جهان سوم، تقصیر را به گردن کشورهای قدرتمند و استعمارگر انداختند. بعضی نیز مدرن‌نشدن (حاکم نشان نمک) نیت به تمام ارکان زندگی جوامع سستی) را علت اصلی می‌دانستند. «مدرن‌شدن به سبک غرب» را تنها راهکار می‌دانستند. بعضی دیگر نیز به حکومت‌های دیکتاتوری در کشورهای توسعه‌نیافته و ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی این ملل را مسبب اصلی معرفی می‌کردند. عده‌ای هم «دین» یا حتی «ثروت‌های ملی» را علت رخوت و عدم حرکت مثبت این ملل تلقی می‌کردند.

در هر صورت باید اذعان کنیم اقتصاد در آموزش و پرورش و مدیریت نیروی انسانی و انتقال اطلاعات به جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است. ممکن است در تدوین سایر عناصر اقتصاد آموزش و پرورش و مدیریت نیروی انسانی از قبیل هدف و محتوا به طرز مطلوب عمل کنیم، ولی به دلیل کم‌توجهی به عنصر روش‌شناسی علمی،

۱. محمدرضا نادرپور، ۲۷ تیرماه نودویک، وب‌سایت اندیشه و عمل پویا.

نتایج مورد انتظار را در فرآیند مذکور به دست نیاوریم. بنابراین در انتخاب و سازماندهی گزاره‌ای به عنوان نقش اقتصاد در آموزش و مدیریت نیرو انسانی باید حساسیت لازم را به خرج دهیم.

معمولا در ارائه روش‌های تدریس کتاب‌هایی با محور توسعه نیرو انسانی و البته با در نظر گرفتن زیرشاخه‌ای مانند توسعه آموزش و پرورش، به دو موضوع پایه‌ای توجه می‌شود: از یک طرف روش تدریس با اصول تکنولوژی آموزش مرتبط است. چنان‌چه روش‌های پیشنهاد شده با این اصول ارتباط نداشته باشد، از جنبه علمی نقطه ضعف است و به همین دلیل از اسباب لازم نسبی علمی برخوردار نیست. از طرف دیگر، روش‌ها از واقعیت‌ها و محدودیت‌ها تأثیر می‌پذیرند. بنابراین توجه به شرایط یادشده، به بارده مضامین تدریس در این حوزه منتهی می‌شود.

به نظر نگارنده توجه به ارتباطات ملی و بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در تحول و توسعه آموزش و پرورش و - در نهایت - نیرو انسانی ایفا کند. متفکران اقتصادی، صاحب‌ظانان دانشگاهیان و اقشار تحصیل کرده تلاش می‌کنند به نحوی از انحاء به تفکر و تأمل نسل جوان را فراهم کنند و این انگاره همیشه بخشی از وراثتی است که نسلی بر خود واجب می‌بیند که در قبال نسل بعد به آن عمل پیوشاند. پر واضح است که نظام بین‌الملل که مجموعه‌ای است از بازیگران (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی و حتی اشخاص حقیقی) که در تعامل با یکدیگر هستند، کلیت منسجمی را تشکیل می‌دهد که واکاوی شرایط تسهیل رسیدن به اهداف توسعه مدیریت نیرو انسانی و سرمایه اجتماعی را می‌طلبد، جایی که محصول کنش متقابل اجزای خود یعنی سرمایه انسانی و توسعه مدیریت نیرو انسانی است. اما با شکل‌گیری ساختار نظام بین‌الملل، رفتار بازیگران تشکیل‌دهنده آن

رفته‌رفته در کسب منافع ملی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و در حقیقت، این ساختار با تبیین قواعد بازی در عرصه جهانی، به‌طور مستقیم عملکرد توسعه مدیریت نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی را نقد و بررسی می‌کند. بدین ترتیب، نظام بین‌الملل در هر مقطع تاریخی قواعد و هنجارهای خاص خود را دارد که در طول حیاتش مدیون بهره‌برداری از نتیجه به‌کارگیری نقش اقتصاد در آموزش و پرورش و منتج به توسعه مدیریت نیروی انسانی است. به عبارتی روشن‌تر، رفتار نظام بین‌المللی در حوزه توسعه تحت تأثیر کیفیت سرمایه نیروی انسانی قرار دارد و این رفتار در طول تاریخ اشکال گوناگون با جریان منافع ملی هر کشوری ظاهر شده است. نمونه بارز آن، ملی شدن صنعت نفت در دوره دولت دکتر محمد مصدق است. پس از هر تحلیلی نشانه درایت ایشان در بحث رشد و توسعه باور مردم نسبت به توسعه و نیروی کار انسانی. بنابراین، عملکرد دولت‌ها متغیری وابسته است که از شرایط و مقتضیاتی تأثیر می‌پذیرد که نقش اقتصاد در آموزش و پرورش و توسعه مدیریت نیروی انسانی به عنوان متغیر ثابت آن همیشه در نظر گرفته می‌شود.

ضرورت دارد به این موضوع توجه کنیم که زبان مشارکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی که در تحول جامعه نقش اساسی دارد، وابسته به سطح آموزش و پرورش و توسعه مدیریت سرمایه انسانی آنان است. کتاب حاضر در واقع نقبی است به این مسئله که تزریق منابع مالی و صرف وقت در توسعه مدیریت نیروی انسانی با لحاظ این گزاره که باید آموزش و پرورش به صورت جدی از سوی دولت حمایت شود، تا چه اندازه می‌تواند دورنمای موفقیت یک کشور را ترسیم کند.

تلاش کردم در مسیر تالیف این اثر به نکات و مسائلی اشاره کنم که در بحث توسعه و مدیریت نیروی انسانی حائز اهمیت هستند و در این راه

هر جا لازم دانستم از منابع داخلی و خارجی بهره برده‌ام تا در نهایت آنچه به عنوان کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد طیف‌های گوناگون فکری و نظری را در بر گیرد. تلاش کرده‌ام در هر بخش موضوعی را با محوریت توسعه بررسی کنم و در هر مورد آن‌جا که مطالب چندانی در منابع فارسی پیدا نکردم - همان‌طور که عرض شد - به منبع انگلیسی رجوع کرده‌ام. البته از ذکر منبع هم غافل نبوده‌ام و در این باره اگر سهوا غفلی شده است امیدوارم به دیده اغماض به آن نگاه شود. طبیعتاً کتبی‌های هم در تالیف و تدوین این اثر وجود دارد که هر خواننده آگاهی تواند نقایص آن را برشمرد ولی امیدوارم کلیت اثر بتواند تا حدودی به حوزة توسعه و مدیریت نیرو انسانی، ادای دین کند.

نادر هوشمندیار

مرداد ۱۳۹۳